



تاریخچه

اسلحه سرد در ایران

قبل از اینکه در مورد اسلحه ساخت ایران و چگونگی آن بحث شود باید دید که در ساختمان اسلحه ایرانی چه مواردی بکار میرفته است. شك نیست که سلاح های برنده و سوراخ کننده و قطع کننده آن زمان همگی از فولاد ساخته میشده ولی بطور حتم همه پیاده های آن دوره يك شکل و یکسان نبوده است چون اولاً جنس و طرز تهیه آنها در هر منطقه و شهر و ثانیاً با مهارت سازنده فرق میکرد است ولی در بین کشورهای اروپائی مخصوصاً فرانسویها و آلمانیها بطور کلی تمام سلاحهای ساخته شده در شرق را اسلحه دمشق

گناه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تال جامع علوم انسانی

بقلم
رومانوسکی دُوبنچا





مینامیدند زیرا اروپائیان جز با مردم سواحل شرقی مدیترانه کمتر با مردم آسیای مرکزی تماس حاصل می‌کردند. اصولاً اروپائیان کلبه‌سلاحهای شرقی را که در روی آن بطرز مشرق زمین خطوطی نقر شده مییافتند اشتباهاً اسلحه دمشق می‌گفتند.

برای بررسی این موضوع بایستی بتاریخ جنگهای صلیبی مراجعه کرد چون نخستین افراد اروپائی که در اردوی سربازان صلیبی مشرق مدیترانه یعنی طول سواحل سوریه (شامات) و شهرهای دیگر کناره مدیترانه پیاده شدند و باملل مشرق زمین در آن حوالی ارتباط پیدا کردند برای اولین بار پولاد آبدیده را در دمشق مشاهده نمودند که مورد توجهشان قرار گرفت. چون تا آن تاریخ هیچ یک از صنعتگران و جنگجویان اروپائی اطلاعاتی دربارہ فولاد آبدیده نداشتند بدین علت این نوع سلاحها مورد عازقه و اقبال آنها قرار گرفت.

در آن زمان مرکز تهیه و ساخت اسلحه دمشق شهر قاهره و بازار فروش آن شهر تاریخی دمشق بود که از بیشتر نواحی مشرق زمین اسلحه پولادی برای فروش باین شهر فرستاده میشد و اروپائیان که بصیرتی در مورد پولاد آبدیده و انواع و اقسام آن نداشتند هر گونه اسلحه پولادی را بنام دمشق می‌شناختند در حالیکه صنعتگران سوریه و قاهره هرگز نتوانسته بودند پولاد آبدیده درجه یک تهیه نمایند و آنچه می‌ساختند و در معرض فروش قرار میدادند پولاد آبدیده درجه سوم و چهارم بود که در کشورهای آسیائی به پولاد شامی معروف بود. بهمین دلیل پولادی را که اروپائیان برای اولین بار در سواحل مدیترانه شرقی یعنی در سوریه و لبنان فعلی دیدند که مورد توجه آنها قرار گرفت پولادی بود که در سطح آن خطوط مارپیچی مشاهده می‌کردید و این همان پولاد آبدیده درجه چهار مشرق زمین بود که به پولاد شامی معروف بوده است و نمونه برجسته این پولاد شمشیر شماره ۷۷ موزه نظامی می‌باشد. (عکس شماره ۱)

اروپائیان تا آن زمان قادر به تهیه این مواد نشده بودند و به همین علت از بهترین خریداران پولاد شرقی زیرا رمز ساختن این پولاد





در انحصار صنعتگران هندی و ایرانی بود که هرگز حاضر بافشاء رموز و آموختن طرز ساختن فولاد بدیگران نبودند و بهرور زمان در اثر فقدان و کمبود استادکاران ماهر صنعت مزبور از میان رفت.

زمانیکه اروپائیان بوسایل امروزی و میکروسکوپ دسترسی نداشتند و ساختن فولاد آبدیده کشف نگردیده بود نمی توانستند چنین فولادی را بوجود بیاورند ولی امروزه بوسیله میکروسکوپ و وسایل دیگر بر موز تهیه و اسرار ساخت آن واقف گشته اند مع الوصف هنوز هیچیک از ممالک اروپائی جز کشور روسیه نتوانسته اند فولاد آبدیده را نظیر آنچه که در مشرق زمین میساختند تهیه نمایند.

چرا صنعتگران ایرانی در تهیه فولاد خوش نقش مشهور شدند

در قرون گذشته کشور ایران تنها همسایه نیرومند و مقتدر هندوستان بود که از بزرگترین خریداران فولاد آبدیده هند بشمار میرفت. کشور هند از نظر موقعیت جغرافیائی در محلی قرار گرفته که دارای معادن آهن سولفور و سیارغنی می باشد که در کوهپایه های هیمالیابحد و فوریاقت میشود و مردم آریائی هند اولین کسانی بودند که توانستند آهن را استخراج و ذوب و احتیاجات خود را بر طرف سازند و حتی بعدها فولاد را بصورت گوی و رشمشهای مکعب شکل در آورده و علاوه بر مصرف داخلی بکشورهای خارج مانند کشور ایران که یکی از بهترین خریداران آن فولادهای گوی شکل بود میفروختند و حتی هم اکنون هم ممکن است از آن نمونه گویها در بازار ایران یافت شود.

علل توجه اروپائیان به اسلحه مشرق زمین

اشتهار فولاد آبدیده بخاطر نرمی و قابل انعطاف بودن اعجاب آور و همچنین چکش خواری آن بدون گرم کردن است. پس از پنجاه سال که از عمر فولادسازی دوره معاصر میگذرد امریکائیانها هنوز هم نتوانسته اند چنان فولادی را که صنعتگران ایران و خاور میانه در قرون پیشین میساختند بسازند. حکایات زیادی در افواه از کیفیت عالی این نوع فولاد وجود دارد؛ مثلاً میگویند بلوچهای ایران بایک ضربه شمشیر کردن جمازه ای را قطع میکردند و یا اینکه بایک

(۳)





شمشیر خوب ایرانی توانسته‌اند با يك ضربه دو تیغه شمشیر پولادی انگلیسی را در آن واحد ببرند و با يك دستمال معلق در فضا را دو نیم کنند.

محل اصلی تهیه پولادهای آبدیده

محل اصلی تهیه پولادهای آبدیده بسیار ممتاز کشور هندوستان بوده و بطوریکه قبلاً اشاره شد اروپائیها بسبب برخورد اولیه با آن در دمشق اشتباهاً آنرا بشهر دمشق نسبت دادند. از روی شواهد و قراین چنین بنظر میرسد که شهر گلکندهندوستان مرکز اصلی تهیه پولاد درجه یک آبدیده بوده است ولی بطور کلی شمال هندوستان و دامنه کوههای سلسله جبال هیمالیای جزیره سیلان مهد این صنعت عظیم محسوب میشود. تهیه این نوع پولاد هنگامی امکان پذیر بنظر میرسد که دسترسی بمعادن آهن خالص و مس باشد آریائیهای مهاجر در شمال هندوستان به سبب وفور آهن خالص پس از تحمل زحمت زیادی توانستند پولاد آبدیده مرغوبی را تهیه و در دسترس دنیای آنروز قرار دهند و آهنگران کاردان آریائی مهاجر در هند توانستند انواع مختلف پولاد عالی را ساخته و مردم مشرق زمین و دنیای غرب را مفتون زبردستی و هنرمندی خود سازند.

استعداد و هنرمندی آریائیهای هندو ایران در طرز تهیه پولاد آبدیده درجه یک در دنیای قدیم معروف بود زیرا از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح با آهن و صنایع قدیمی مشتق از آن آشنائی داشتند و سایر مردم آسیا و خاور میانه سعی میکردند که در این باره از هندیها و ایرانیان تقلید نمایند. از طرفی چون ایران مرکزی فاقد معادن آهن خالص بود و آهنی که استخراج میکشست دارای مخلوطی از گوگرد بود و همین ناخالصی سبب نامرغوبی پولاد میگردد بهمین جهت طریقه جدیدی برای تهیه پولاد ابداع نمودند و از این راه توانستند سلاحهای پولادین بی عیب و نقصی بوجود آورند. برای اینکار ابتدا ناچار بودند که آهنهای مستعمل را ذوب نموده و بکار برند و پولاد تقریباً مرغوبی را بدست بیاورند. تهیه اشیاء و اسلحه پولادی باین طریقه با تمام امتیازاتی که همراه داشت زیاد مقرون بصرفه نبود زیرا هنگام تهیه پولاد و عمل آوردن آن مقدار زیادی از آن بهدر میرفت بهین علت ایرانیان مجبور شدند که پولاد آبدیده را از کشور













هندوآورد کنند تا بتوانند صادر کننده بهترین سلاح آن روز باشند. با توجه باینکه ایرانیان از نقطه نظر آهن خالص در مزیقه بودند مع الوصف در صنایع فولادسازی (حتی زمانی که آهن مستعمل بکار میبردند) بهترین تهیه کننده فولاد آبدیده آن عصر بودند. اکنون برای اینکه مطالعه و بررسی مشتاقان سلاحهای قدیمی آسان گردد و حق مطالب بهتر ادا شود لازم است که مقدمتاً توضیحاتی چند درباره طرز تهیه فولاد آبدیده مشرق زمین داده شود.

چگونه فولاد سازی در ایران و مشرق زمین متداول گردید .

در زمان قدیم مرکز فولادسازی ایران ایالات خراسان و کرمان و شهرستان قزوین و شیراز بود فولاد آبدیده بصورت خام از هندوستان مخصوصاً از حیدر-آباد وارد ایران میشد. در این مورد توضیحات و تشبیهات زیادی راجع به فولاد هندی وجود دارد که نشانه ارزش این ماده در ایران سده های پیشین است. البته هندوستان استخراج و ذوب آهن را مدیون آریائیهای مهاجر بآن کشور است زیرا آریائیها نخستین قومی بوده اند که بآهن دست یافته و آنرا بتمام جهانیان آنروز شناسانده اند. طبق یادداشتهای شاهزاده آندره زونیگوردسکی Prince Andre Zvenigorodsky سفیر و سیاستمدار روسیه تزاری در دربار صفویه که مرد دقیقی بوده است و کلیه وقایع زندگی سیاسی خود را یادداشت و برای تزار روس فرستاده بود و تزار روس در یادداشت های خود خاطر نشان میسازد شاه قزلباش (شاه عباس کبیر) گفت سلاح و کلاه خودها و چهار آئینه های (چهار آئینه عبارت از چهار صفحه فولادی است که در روی زره برسینه و پشت و پهلو نصب میگردند) نظامیان در کشور ایران ساخته میشود و ما فولاد را فقط از سرزمینهای شاهنشاهی خود در هند فراهم میکنیم و زره های ظریف و شفاف را از مالک چرکس (قفقازیه) میآوریم.

باید در نظر داشت که اظهارات شاهنشاه بزرگ ایران در زمانی گفته شده است که تهیه سلاح سرد در ایران باوج اهمیت رسیده بود و بازار فروش آن رونق بسزائی داشته است .

تاورنیه و شاردن فرانسوی دو مسافر معروف قرن هفدهم در زمانی که رونق

(۹)





سلاح سرد ایران چشم سلحشوران عالم را خیره ساخته بود راجع با اهمیت اسلحه ایران نکات قابل توجهی را در سیاحت نامه خودشان ذکر نموده اند. تاورنیه می نویسد مواد اولیه سلاح سرد ایران از شهر کلکته وارد میشود این ماده عبارت از یولاد آبدیده است که بصورت گویهای شکافدار و شمشهای مکعب میباشد که بکشور ایران صادر میکنند. شکاف این گویهای مدور از آن جهت ایجاد میگردد تا بتاجار اسلحه جنس آنرا به خوبی تشخیص دهند. وی در سرمقاله خود اظهار میدارد که برای تیغه هر شمشیر نصف یکی از این گویهارا بمصرف میرسانند.

شاردن فرانسوی در کتاب سیاحت نامه خود می نویسد بوسیله همین یولادهای آبدیده است که ایرانیان در ساختن تیغه های زیبای دمشقی مهارت دارند مواد اولیه این تیغه های معروف بصورت گویهای مدور یا شمش های مکعب کوچک می باشد که از هندوستان خریداری مینمایند.

محققاً یولادهائی که از هندوستان با ایران وارد میشد بسیار خالص بود. مهارتی که استادکار ایرانی در بعمل آوردن آن بکار میبرد سبب مرغوبیت اسلحه ایرانی میگردد، و خوبی جنس بازار فروش بسیار عالی بوجود میآورد و بعلت توسعه روزافزون صنایع پولادی گاهی اوقات گویهاوسیله ایرانیان بکشورهای دیگر صادر میگردد. انگلیسیها امروزه آن گویها را Vcoz مینامند.

در اوایل قرن نوزدهم که این گویهای کوچک به لندن رسید شرکت یولاد پادشاهی انگلستان آنرا مورد مطالعه قرارداد و نتیجه کلی مطالعات مؤسسه فوق الذکر را پوسن و کارشناس شرکت چنین اظهار مینمایند:

این موضوع عبارت از اثر آب شدن فوری فلز خالص است بدون اینکه حالت آهن نرم و مذاب را پیدا نماید.

یولاد جوهر دار شرق و فعل و انفعالات شیه یائی آن

یولاد جوهر دار، آهن ذغال شده ایست که تبلور آن مربوط باثر ترکیب آهن و ذغال می باشد و خطوطی که در سطح آن دیده میشود همان اثر





تبلور است و از طرف دیگر سرد شدن تدریجی این ترکیب آهن ذوب شده بی‌ذغال است که در این زمینه اهمیت بسزائی دارد.

یویان دانشمند معروف فرانسه و رئیس زرادخانه پاریس در سال ۱۸۲۲ با آنکه در آن موقع صنعت فلزکاری بپایه امروز نرسیده بود موضوعی را که بعدها مورد تأیید دانشوندان فلزشناسی واقع گردید پیش‌بینی کرده بود و آن عبارت از این بود که برای بدست آوردن فولاد خالص اگر در کوره آهن مذاب کربن کمتر از آهن مصرف گردد با اندازه کربن مصرف شده فولاد بدست خواهد آمد و مقداری آهن مخلوط با کربن در قسمت تحتانی کوره باقی خواهد ماند.

مایع بدست آمده هنگام منجمد شدن تدریجی ذرات فولاد نبش که بیشتر خاصیت ذوب شدن را دارا می‌باشند گرم جمع میشوند و از سایر مواد کربن و آهن جدا میگردند. توده ذرات متصل‌شده بهم فولاد آبدیده‌ایست که رنگش از فولاد جوهردار اصل کم‌رنگتر و استحکامش بیشتر می‌باشد زیرا هنوز مواد آهنی این مایع بدست آمده از اندازه معمول زیادتر است حال اگر این عمل در کوره برعکس دفعه قبل تکرار شود یعنی مقدار کربن مصرفی را بیش از آهن مصرف شده در کوره ریخته و بعمل ادامه دهند پس از ذوب مواد بدست آمده بصورت غیر قابل تجزیه درمی‌آید و این دفعه مقدار کربن مذاب در قسمت کف کوره باقی خواهد ماند که تمایل مزوج گردیدن با مواد بدست آمده دارد و چون با آهن کربنی ترکیب شود دو نوع آفت یا ماده بدست می‌آید یکی فولاد خالص یا فولاد کربنی و دیگری فولاد کربنی مخلوط با آهن خواهد بود. ولی هنگام سرد شدن کوره این عناصر که در موقع ذوب شدن باهم مخلوط بودند تمایل پیدا میکنند که از هم جدا شوند در همین لحظات است که خاصیت تبلور شدن فلز آغاز میگردد و فولاد جوهردار بوجود می‌آید زیرا در حال فعل و انفعال هستند یعنی برای جدا شدن از یکدیگر یا وصل شدن یکدیگر در تکاپو می‌باشند و این اصل مهم فیزیکی همیشه ثابت و پایدار است حال اگر مقداری از این ماده را بشکل دلخواه در آورده و اسیدی بر سطح آن مالش دهیم خطوطی که در روی فولادهای معروف به فولاد دمشقی مشاهده

(۱۱)





میشود در روی آن ظاهر خواهد شد که این خطوط دارای دو قسمت متمایز تیره و روشن خواهد بود. خطوط تیره اثر اسید در روی قسمت های خالص تر فولاد و خطوط روشن اثر اسید در روی آن قسمتی از فولاد است که کربن بیشتری را جذب نموده است در نتیجه اثر اسید بر روی آهن چنین حالت تیره و روشن حاصل میگردد زیرا مقاومت و استحکام آهن کربن دار در مقابل اسید زیادتر از آهن خالص می باشد، کربن که بطور نامرتب در روی این فلز پخش گردیده است در عنصر بوجود می آورد که پیدایش فولاد آب دیده از آن است و بدیهی است که هر قدر قدرت عمل سرد شدن بیشتر باشد یعنی بسرعت منجمد گردد نقوش بدست آمده برجسته تر و آشکارتر خواهد بود.

در زمانیکه ساختن و استعمال سلاح سرد در ایران و مشرق زمین رواج کامل داشت هریک از فولادهای جوهر دار اسامی جداگانه ای داشتند و هر ناحیه نامی مخصوص برای محصول خود انتخاب کرده بود و هر کشور تعداد زیادی از اینگونه اسامی را بر روی فولادهای آب دیده خود قرار میدادند که جسکجویان و اسلحه سازان قدیمی و ماهر مشرق زمین نامهای مذکور را بخوبی میشناختند ولی امروزه این گونه اسامی تقریباً متداول نیست ولی مع الوصف هنوز کم و بیش از اعقاب اسلحه سازان قدیمی در ایران باقی مانده اند که با برخی از سلاحهای قدیمی و نامهای آنها آشنائی دارند و اسامی و اصطلاحات قدیمی را مانند هندی، قم هندی، خراسانی، قزوینی و غیره در مکالمات خود بکار میبرند.

اما باید دانست نوشتن نام سازنده بر روی سلاح از قدیم معمول بوده است و با اینکه از نام اسلحه سازان معروف زمان شاه عباس کبیر مانند اسدالله اصفهانی و پسر هنرمندش کلبعلی و شاگردانش زمان و صدیق وعده زیادی اثری باقی نمانده است ولی در بین هنرمندان و استادکاران بعد از شاه عباس کبیر نوشتن نام در روی سلاح چنان متداول بوده است که هریک برای جلب مشتری بیشتر اسامی خود را بدون نظر سوئی باطلا بر روی تیغه شمشیرهایی که می ساختند نقش میکردند.













تشخیص اسامی و معانی آنها

تشخیص معانی و اسامی فراموش شده انواع فولاد هائی که ذکر گردید سبب تولید اشکال زیادی برای اسلحه سازان جدید گردیده است زیرا برخی از فولادهای آبدیده قدیمی دارای نامهای جغرافیائی مانند خراسانی، لاهوری، شامی، قزوینی، شیرازی و هندی می باشند ولی تشخیص اسامی بعضی دیگر از روی نقوش آنها بسادگی انجام میگیرد مانند فولادهای جوهر دار اکبری «Akbari»، بگومی «Begumi» و طبن «Taban» از نمونه کارشان پیدا است که در آن زمان اشتهار و معروفیتی داشته اند چنانچه آقای برنس (Burnes) سیاح معروف انگلیسی که در سال ۱۸۳۶ به هندوستان و افغانستان و بخارا مسافرت کرده بود در سیاحتنامه خود چنین مینویسد در کابل از سه شمشیر که یکی متعلق بشاه عباس کبیر بود دیدن نمودم. راهنما اظهار داشت که جنس شمش آن از نوع فولاد اکبری است و شمشیر دیگری که نام نادر شاه افشار در روی آن طلا کوب گردیده بود از فولاد بگومی ساخته شده بود و سومین شمشیر که از قزوین فرستاده شده بود از فولادی بنام قره خراسانی تهیه شده و نقوش فولاد آن را نقش بدر میخواندند با این تفاوت که فولاد شمشیر سومی خطوط عادی نداشت و سطح آن از لکه های تیره رنگ در همی پوشیده شده بود و هر سه شمشیر بسیار سبک و خوش دست بودند و آنکه از همه گران قیمت تر بود تیغه اش منحنی تر بنظر میرسید و هر سه شمشیر بمجرد اصابت با اشیاء سخت تر از خود مانند ناقوسی بصداء در میآمدند.

اکنون در موزه نظامی ارتش شاهنشاهی ایران شمشیرهای بسیار عالی و ظریف و همچنین سنگین وزنی موجود می باشد که اوصاف آنها با تشبیهاتی که توسط آقای Burnes اظهار شده است مشابهت داشته (عکس شماره ۲ و ۳) و به شمشیرهای دوره شاه عباس کبیر از نظر ظرافت و سنگینی شباهت کامل دارند. بنظر سیاح انگلیسی شمشیر سومی که فولاد آن قره خراسانی و نقوش آنرا بدر نامیده بودند و بدوره شاه عباس نسبت میدهند، مطابقت با شمشیر شماره ۶۵۰ موزه نظامی دارد (عکس شماره ۴)

(۱۷)





بجز این دو شمشیر که خوشبختانه بر حسب اتفاق اسامی نظیر آنان بر روی شمشیرها حک گردیده است بقیه اسامی جغرافیائی که شنیده میشود برای تشخیص پولادها تقریباً فایده‌ای نخواهد داشت.

در ایران پولادیکه بیشتر مورد توجه مردم واقع گردیده پولاد نقش‌دار است که بهترین انواعش طبن و اعلاترین نوع طبنی با سم قرق‌نردبان (جمل‌سنه) نامیده میشود نمونه‌هایی از این نوع پولاد در عکسهای شماره ۶۵ و ۶۷ و ۸۰ دیده میشود تمام انواع سلاح نبرد در موزه نظامی ارتش شاهنشاهی ایران موجود میباشد که در شماره‌های بعدی از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.

بقیه دارد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

